



شیوه سلوک عالمان دینی با مردم

پدیدآورده (ها) : رکنی لموکی، محمد تقی
میان رشته ای :: پیام :: پاییز 1390 - شماره 107
از 140 تا 151

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/916288>

دانلود شده توسط : مرکز مدیریت حوزه های علمیه-کتابخانه ایت الله بروجردی
تاریخ دانلود : 29/04/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به [صفحه قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.

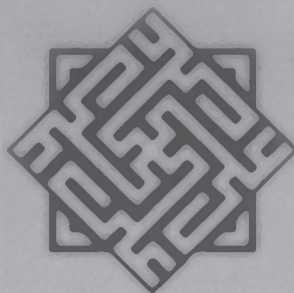


پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

شیوه سلوک عالمان دینی با مردم

محمد تقی رکنی لاهیکی *



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

چکیده

عالمان دینی، علاوه بر تعلیم معارف دین، نقش هدایتگر معنوی و الگوی رفتاری مردم را بر عهده دارند. آنان، قادرند با سلوکی شایسته، قلبهای مؤمنان را تسخیر و آحاد جامعه را شیفتهٔ مبانی دینی نمایند.

بر این اساس، شایسته دیدیم برخی از شیوه‌های پسندیدهٔ رفتاری عالمان دینی در مواجهه با مردم را از منظر متون دینی یادآور شویم. مردمی بودن، عزت نفس، انتقادپذیری، سعهٔ صدر و تواضع، شیوه‌هایی هستند که در این شماره بررسی شده‌اند.

کلید واژه‌ها: عالمان دینی، مردم، رفتارهای شایسته، دعوت به دین.

* عضو هیئت علمی پژوهشکده تحقیقات اسلامی.

مقدمه

پس از غیبت کبرای امام زمان علیه السلام وظیفه ترویج، تبلیغ و اجرای تعالیم دین و دعوت مردم به این تعالیم، بر عهده عالمان دینی گذارده شد.

یکی از اثرگذارترین رفتارهای عالمان دینی در جامعه، مردمی بودن است. رفتار مردمی به معنای زندگی عالم همانند زندگی مردم عادی در آشکار و پنهان است؛ آن طور که امامان معصوم علیهم السلام بودند.

در دوران معاصر که دشمنان دین، پیچیده‌ترین ابزارها را برای انحراف مردم از اسلام به کار گرفته‌اند، این وظیفه دو چندان شده است؛ اما مهم‌ترین مسئله در انجام این وظیفه، چگونگی رفتار و سکوک عالم در مواجهه با توده مردم است.

بدیهی است علما، فضلا و روحانیانی که رسالت تبیین احکام دین را برای مردم برعهده دارند، باید رفتاری شایسته و برگرفته از سیره معصومین علیهم السلام داشته باشند، زیرا یکی از نقش‌های مهم عالمان در هدایت مردم، نقش تربیتی و رفتاری است.

کسی که می‌خواهد کاروانی را در مسیر مستقیم راهنمایی کند، باید طریقه صحیح برخورد و رفتار را بشناسد تا مردم به او اطمینان کنند؛ به عبارت دیگر، پیش از هدایت با زبان، هدایت با عمل و رفتار را آغاز کرده باشد. امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید:

كُونُوا دُعَاةً لِلنَّاسِ بِغَيْرِ اَلْسِنَتِكُمْ لِيَرَوْا مِنْكُمْ اَلْوَرَعَ وَ اَلْاِحْتِهَادَ وَ الصَّلَاةَ وَ اَلْخَيْرَ فَاِنَّ ذَلِكُمْ دَاعِيَةٌ^۱ مَرَّحِقِيَّةٌ قَائِمِيَّةٌ عُلُومِيَّةٌ رَسُوْلِيَّةٌ

با غیر زبانتان فراخوان مردم [به سوی حق] باشید، آنان باید از شما ورع، کوشش، نماز و کار خیر ببینند. و این اعمال دعوت کننده [آنها به حق] است.

بنابراین، بخش مهم رسالت عالمان، تزکیه نفوس و تربیت مردم و رشد و تعالی روحی و اخلاقی آنان بوده است و تا شخص، عالم خویشتن را از بدی‌های اخلاقی و رفتاری پاک نکند، از عهده وظیفه‌اش بر نخواهد آمد. مقاله حاضر برخی از آداب و رفتار شایسته عالمان دینی در مواجهه با مردم را یادآوری می‌کند.

مردمی بودن

یکی از اثرگذارترین رفتارهای عالمان دینی در جامعه، مردمی بودن است. رفتار مردمی به معنای زندگی عالم همانند زندگی مردم عادی در آشکار و پنهان است؛ آن طور که امامان معصوم علیهم السلام بودند.



قرآن کریم خطاب به پیامبر ﷺ می‌فرماید:

لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ. (آل عمران: آیه ۱۶۴)
به یقین خدا بر مؤمنان منت نهاد که پیامبری از خودشان میان آنان برانگیخت.

مفهوم واژه «از خودشان» به آن معنا است که رسول الله ﷺ از میان توده مردم برخاست؛ به همین دلیل احتیاجات، نیازها، دردها و مشکلات مردم را لمس می‌کرد. پس با توجه به این مهم قادر به رفع آنها بود.

عالم دینی نیز باید به پیامبر ﷺ اقتدا کند و همچون ایشان، مردمی باشد.
علی رضی الله عنه می‌فرماید:

وَ اقْتَدُوا بِهَدْيِ نَبِيِّكُمْ فَإِنَّهُ أَفْضَلُ الْهَدْيِ وَ اسْتَنْتُوا بِسُنَّتِهِ فَإِنَّهَا أَهْدَى السُّنَنِ.^۲
به راه و رسم پیامبرتان اقتدا کنید که بهترین راه و رسم است و رفتارتان را با روش پیامبر ﷺ تطبیق دهید که هدایت‌کننده‌ترین روش‌ها است.

مصادیق مردمی بودن فراوان است و نمی‌توان به همه آنها اشاره کرد؛ اما مفهوم کلی آن یک دل بودن با مردم است؛ به گونه‌ای که عالم دینی در سختی‌ها کمک اطرافیان باشد، در بیماری به عیادتشان برود، در سفر دعایشان کند، گوش شنوا برای شنیدن حرفهایشان داشته باشد، در حد توان پاسخگوی سؤالاتشان باشد و بالاخره در هر حال دلسوز و راهنمایشان باشد.

در حالات رسول الله ﷺ می‌خوانیم:
إِذَا قَدَّ الرَّجُلُ مِنْ إِخْوَانِهِ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ سَأَلَ عَنْهُ فَإِنْ كَانَ غَائِبًا دَعَا لَهُ وَ إِنْ كَانَ شَاهِدًا زَارَهُ وَ إِنْ كَانَ مَرِيضًا عَادَهُ.^۳
هرگاه یکی از برادران [دینی] او برای مدت سه روز غایب می‌شد، از حال او جویا می‌شد. پس اگر غائب بود برایش دعا می‌فرمود و اگر حاضر بود، به دیدنش می‌رفت و اگر مریض بود به عیادتش می‌رفت.

این گونه رفتار عالم، دیگران را شیفته خود می‌کند؛ به گونه‌ای که جذب او شده، رفتارش را الگو قرار می‌دهند و به سخنانش گوش فرا می‌دهند. علامه طباطبایی یکی دیگر از صفات مردمی بودن پیامبر ﷺ را این چنین نام می‌برد:

پیامبر ﷺ با زیردستان هم غذا می‌شد و روی زمین می‌نشست؛ خود مایحتاج منزل را از بازار تهیه می‌کرد؛ با فقیر و غنی یکسان مصافحه می‌نمود و دست خود را نمی‌کشید تا طرف مقابل دست خود را بکشد. به هر کس می‌رسید سلام می‌کرد، چه توانگر چه فقیر، چه کوچک و چه بزرگ، اگر به خوردن چیزی دعوت می‌شد، آن را کوچک نمی‌شمرد و می‌خورد؛





عالم برای حفظ شخصیت معنوی خود و اینکه در دل دیگران نفوذ داشته باشد، باید از رفتاری که عزت او را خدشه‌دار می‌کند، پرهیز نماید.

اگر کسی با او صحبت می‌کرد، ساکت می‌ماند تا طرف مقابل سخنش تمام شود، سپس لب به سخن می‌گشود و در سخن گفتن چیزی نمی‌گفت که مورد پسند طرف نباشد؛ نگاه کردنش کوتاه بود و به کسی خیره نمی‌شد و نگاهش را بین افراد تقسیم می‌کرد.^۴

آنچنان که هویدا است، رفتار پیامبر ﷺ با مردم، باعث موفقیت ایشان در وظیفه هدایتگری او شده بود؛ چنانکه هر کس

یک دیدار با پیامبر ﷺ داشت مجذوب او می‌شد و به حقانیت سخنانش پی می‌برد.

علامه طباطبائی ادامه می‌دهد که رفتار خوش پیامبر با مردم در دیدارهای خصوصی هم بسیار پسندیده بود. زمانی که کودک شیرخواری را برای دعا یا نام‌گذاری نزدش می‌آوردند، حضرت برای احترام فامیل کودک، او را به دامن می‌گرفت و چه بسا اتفاق می‌افتاد که کودک در دامن پیامبر ﷺ ادرار می‌کرد؛ اما رسول الله ﷺ به هیچ وجه آزرده و ملول نمی‌گشت یا آنکه اگر کسی برای دیدار حضرت وارد اتاق می‌شد و خدمت آن جناب می‌نشست، هرگز حضرت از کنارش بلند نمی‌شد تا وقتی که خود آن شخص بلند شود.

این گونه رفتار به تعبیر امام علی علیه السلام کاری می‌کند که مردم در غیاب عالم دینی در فراغ او می‌گریند و در حضورش، میل به ارتباط با او دارند:

حَاطُوا النَّاسَ مُخَالَطَةً إِنْ مِثْمَ مَعَهَا بَكْوًا عَلَيْكُمْ وَإِنْ غَبْتُمْ حُنُوا إِلَيْكُمْ.^۵
با مردم طوری زندگی کنید که اگر مُردید بر شما بگریند و اگر بودید میل داشته باشند که با آنها باشید.

عزت نفس

عزت نفس جزء صفات پسندیده‌ای است که یک عالم باید داشته باشد. عزت حالتی است که مانع شکست می‌شود.^۶ اصل معنای عزت، صلابت است و در معانی غلبه، کمیابی، سختی، غیرت و حمیت نیز در قرآن به کار رفته است. "عزیز" از اسمای حسناى الهی است؛ یعنی کسی که غالب است و مغلوب نمی‌شود.^۷ قرآن کریم این چنین از این صفت پسندیده یاد می‌کند:

وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ. (منافقون: آیه ۸)
عزت مخصوص خدا و رسول او و مؤمنان است.



با این مقدمه، بیان می‌داریم که عالم برای حفظ شخصیت معنوی خود و اینکه در دل دیگران نفوذ داشته باشد، باید از رفتاری که عزت او را خدشه‌دار می‌کند، پرهیز نماید.

عوامل عزت شکنی:

۱. آزمندی با حرص و طمع در ثروت اندوزی و ریاست طلبی، به شدت مناعت و بزرگواری انسان را خدشه‌دار می‌کند.

امیرالمؤمنان علیه السلام فرمود:

الطَّمْعُ مَذَلَّةٌ حَاضِرَةٌ.^۸

آزمندی، ذلت نقد است.

۲. ترک حق‌گویی: امام حسن عسگری علیه السلام فرمود:

مَا تَرَكَ الْحَقَّ عَزِيزٌ إِلَّا ذَلَّ.^۹

هیچ عزیز حق را ترک نکرد جز اینکه خوار گشت.

۳. بدی بردیگران: امام صادق علیه السلام فرمود:

مَنْ بَرِيءٍ مِنَ الشَّرِّ نَالَ الْعِزَّ.^{۱۰}

هرکس از بدی دوری کرده، عزت یافت.

۴. اظهار مشکلات: امیرالمؤمنان علی علیه السلام فرمود:

رَضِيَ بِالذُّلِّ مَنْ كَشَفَ عَن ضُرِّهِ.^{۱۱}

هرکس مشکلات خویش را برملا کند، به خواری تن داده است.

این حدیث اذعان می‌کند که بیان مشکلات نزد همگان به ضرر مؤمن است. پس عالم دینی باید با توکل بر خدا، مشکلات خود را با عقل و تدبیر و صبر و استقامت حل نماید و از ذکر آنها در هر مجلس و محفلی پرهیزد.

۵. شوخی زیاد: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود:

كَثْرَةُ الْمَزَاحِ تَذْهَبُ بِمَاءِ الْوَجْهِ.^{۱۲}

شوخی زیاد آبرو را می‌برد.



بدیهی است، عالمی که گاه و بیگاه با اطرافیان خود شوخی کند حرفش جدی تلقی نمی‌شود و از عزت و هیبت او کاسته می‌شود. امام علی علیه السلام به همراه شوخی زیاد موارد دیگر را برمی‌شمرد که از آنها باید پرهیز کرد:

أَخَذَرَ الْهَزْلَ وَاللَّعِبَ وَكَثْرَةَ الْمَزْحِ وَالضَّحِكِ
وَالتَّرَهَاتِ.^{۱۳}

از بیهودگی و بازی و شوخی زیاد و خنده و زیادگویی پرهیز.

عالمی که گاه و بیگاه با اطرافیان خود شوخی کند حرفش جدی تلقی نمی‌شود و از عزت و هیبت او کاسته می‌شود.

عوامل کسب عزت

در روایات اسلامی برای کسب عزت هم مصداق‌های رفتاری بیان شده است؛ از جمله:

۱. **انصاف با مردم:** امام علی علیه السلام فرمود:

أَلَا إِنَّهُ مَنْ يَنْصِفِ النَّاسَ مِنْ نَفْسِهِ لَمْ يَزِدْهُ اللَّهُ إِلَّا عِزًّا.^{۱۴}
آگاه باشید! هر کس با مردم منصف باشد، خداوند جز بر عزتش نیفزاید.

۲. **گذشت و بخشش و پیوند:** امام باقر علیه السلام فرمود:

ثَلَاثٌ لَا يَزِيدُ اللَّهُ بِهِنَّ الْمَرْءَ الْمُسْلِمَ إِلَّا عِزًّا الصَّفْحُ عَمَّنْ ظَلَمَهُ وَإِعْطَاءُ مَنْ حَرَمَهُ وَالصَّلَاةُ
لِمَنْ قَطَعَهُ.^{۱۵}

سه چیز است که خداوند به وسیله آنها جز بر عزت مسلمان نیفزاید:

گذشت از کسی که به او ظلم کرده و بخشیدن آن که او را محروم ساخته و پیوند با آن که از او بریده است.

۳. **فرو خوردن خشم:** امام صادق علیه السلام فرمود:

مَا مِنْ عَبْدٍ كَظَمَ غَيْظًا إِلَّا زَادَهُ اللَّهُ عِزًّا وَجَلَّ عِزًّا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.^{۱۶}
هیچ بنده‌ای خشمی را فرو نخورده، مگر آنکه خدای عزوجل عزت او را در دنیا و آخرت افزوده است.

انتقاد پذیری

روحیه انتقادپذیری از جمله خصلت‌های پسندیده انسان است. فایده کسب این روحیه در عالمان



روحیه انتقادپذیری از جمله خصلت‌های پسندیده انسان است. فایده کسب این روحیه در عالمان دینی، آن است که ناشناخته‌های وجودی خود را می‌شناسند.

دینی، آن است که ناشناخته‌های وجودی خود را می‌شناسند. چه بسا انسان دارای رفتاری باشد که در نظر مردم ناپسند است. داشتن روحیه انتقادپذیری دیدگاه مردم نسبت به عالم دینی را برملا می‌سازد. این آگاهی زمینه رشد و تعالی عالم دینی را فراهم می‌آورد. قرآن کریم می‌فرماید:

فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ... أُولَئِكَ هُمُ أُولُوا الْأَلْبَابِ. (زمر: آیات ۱۷-۱۸)

بندگان من را بشارت بده، آنان که سخنان دیگران را می‌شنوند و از بهترین آنها پیروی می‌کنند... آنان خردمندان اند.

منتقدان، خواسته یا ناخواسته در حق انتقادشوندگان لطف می‌کنند؛ زیرا با نقد و نظر خود، زمینه خودسازی و بازسازی فرد انتقادشونده را مهیا می‌سازند. پس عالم دینی هم با تقویت روحیه انتقادپذیری در خود، باید قدردان این نعمت باشد و انتقادکننده را از خود نرانند، بلکه محبوب‌ترین فرد نزد او باشد. حضرت علی علیه السلام فرمود:

لَيْكُنْ أَحَبُّ النَّاسِ إِلَيْكَ مَنْ هَدَاكَ إِلَى مَرَاثِدِكَ وَ كَشَفَ لَكَ عَنْ مَعَائِبِكَ.^{۱۷}
کسی که تو را به خیر و رشد هدایت کند و تو را از عیب‌هایت مطلع نماید بایست محبوب‌ترین خلق نزد تو باشد.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

أَحَبُّ إِخْوَانِي إِلَيَّ مَنْ أَهْدَى إِلَيَّ عُيُوبِي.^{۱۸}
محبوب‌ترین برادران نزد من کسی است که عیب‌هایم را به من اهدا کند.

سعه صدر

یکی دیگر از بایسته‌های رفتاری عالم دینی، داشتن سعه صدر است. سعه صدر در قلمرو رفتار اجتماعی، به معنای تحمل نامالایمات و صبر بر فشارهای روحی و روانی است. این موهبتی است که خداوند به پیامبرش داده است:

أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ. (انشراح: آیه ۱)
آیا ما سینه‌ات را برای تو نگشادیم؟

از جمله معانی سینه گشاده داشتن، تحمل در برابر سلیقه‌ها، بی‌مهری‌ها و اندیشه‌های مخالف



است. پیامبر خدا ﷺ گاهی آنچنان از برخوردها آزرده می‌شد که می‌فرمود:

مَا أَوْذَى نَبِيٍّ مِثْلَ مَا أُوذِيَ. ۱۹

هیچ نبی مانند من [در راه خدا] اذیت نشد.

اما در مقابل این نامالایمات، نه تنها لب به نفرین نمی‌گشود؛

بلکه می‌فرمود:

اللَّهُمَّ اهْدِ قَوْمِي فَإِنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ. ۲۰

خدا! یا! قوم مرا هدایت کن، اینها نمی‌دانند.

این گونه برخورد رسول الله ﷺ برای عالمان دینی درس آموز

است؛ چرا که ممکن است در اطراف ایشان افرادی با فرهنگ‌ها و سلیقه‌های متفاوت وجود داشته باشند. اگر عالم دینی در مقابل افراد مختلف تاب و توان کمی داشته باشد و به اصطلاح با هر برخورد ناگواری عصبانی گردد، کم مردم از پیرامونش دور می‌شوند و او نمی‌تواند به وظیفه الهی خود- که هدایت مردم است- عمل نماید.

این در صورتی است که با یک برخورد توأم با مهربانی و گذشت می‌توان عادات و سلیقه‌های بد مردم را اصلاح نمود؛ چنانکه در تاریخ زندگانی رسول الله ﷺ آمده است: مردی بیابانگرد نزد پیامبر ﷺ آمد و از ایشان چیزی تقاضا کرد. ایشان هم مقداری به او عطا کرد؛ اما در مقابل مرد بیابانگرد نه تنها تشکر نکرد بلکه اهانتی نیز به حضرت نمود. اصحاب ناراحت شدند و خواستند او را تنبیه کنند. پیامبر ﷺ مانع شد و مرد غریبه را به منزل برد و مطاع بیشتری به او داد. در این هنگام مرد عرب شرمنده شد و پیامبر ﷺ و خانواده‌اش را دعا نمود. پس از آن رسول الله ﷺ خطاب به پیروانش فرمود:

مَثَلُ اِیْنِ گُونِه اَفْرَادِ مَانِنْدِ مَرْدِی اَسْت کِه دَنبَالِ شْتَرِ رَمِیْدِه خُودِ مِی دُود. اِگَر مَرْدِم بَه خِیَالِ کَمکِ بَه صَاحِبِ شْتَر، دَاد وَ فَرِیَادِ کُنِنْد وَ دَنبَالِ شْتَرِ بِلُودِنْد، شْتَرِ بَیْشْتَرِ رَمِ کَرْدِه، فَرَارِی مِی شُود. پَس رَا هِ صَحِیحِ اُنِ اَسْت کِه بَا اَرَامِش وَ تَحْمَلِ اَنْدِکِی عُلُوفَه نَزْدِ شْتَرِ بَرْدِه، بَه تَدْرِیجِ مَهَارِ او رَا بَه دَسْتِ گِیْرِنْد. ۲۱

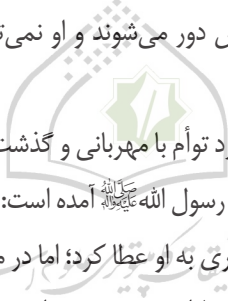
آری! هر کس چنین سعه صدری داشته باشد، مشمول این آیه قرآن می‌شود که فرمود:

أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَى نُورٍ مِنْ رَبِّهِ (زمر: آیه ۲۲)

آیا کسی که خداوند برای اسلام به او سعه صدر داده و بر فراز مرکبی از نور قرار دارد/همچون کوردلان گمراه است].



اگر عالم دینی در مقابل افراد مختلف تاب و توان کمی داشته باشد و به اصطلاح با هر برخورد ناگواری عصبانی گردد، کم مردم از پیرامونش دور می‌شوند و او نمی‌تواند به وظیفه الهی خود- که هدایت مردم است- عمل نماید.



تواضع

تواضع از صفات کمال انسانی است که رعایت آن از عالمان دینی، به دلیل نقش الگوپذیری مردم از ایشان، بسی زبیده‌تر است.

قرآن کریم می‌فرماید:

وَ عِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا. (فرقان: آیه ۶۳)

بندگان خدای رحمان، کسانی‌اند که در روی زمین متواضعانه قدم برمی‌دارند.

طبق این آیه نخستین توصیفی که از «عباد الرحمن» شده است، نفی کبر و غرور و خودخواهی و داشتن تواضع است که در تمام اعمال انسان، حتی در کیفیت راه رفتن او آشکار می‌شود.

قرآن کریم داشتن تواضع را یک اصل راهبردی برای وظیفه هدایت‌گری رسول الله ﷺ معرفی می‌کند:

وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ. (شعراء: آیه ۲۱۵)

با پیروان با ایمانت، متواضع و فروتن باش.

این اصل بنیادین برای عالمان دینی هم لازم است؛ چرا که آنان نیز نقش هدایت‌گری دارند. عالم دینی با تواضع خویش در برابر دیگران (اعم از خانواده، اقوام، شاگردان و مراجعان)، مقدمات گرایش ایشان به دین را فراهم می‌آورد. رسول الله ﷺ فرمود:

إِنَّ أَفْضَلَ النَّاسِ عَبْدًا مَنْ تَوَاضَعَ عَنْ رِفْعَةٍ. ۲۳

برترین مردم در بندگی / خدا کسی است که در عین بزرگی فروتنی کند.

حضرت علی علیه السلام از جمله نشانه‌های فروتنی را سه چیز معرفی می‌کنند:

ثلاث هنّ راس التواضع: انّ یبداً بالسلام من لقیه، و یرضی بالدون من شرف المجلس و یکره الریاء و السّمتة. ۲۳

سه چیز است که در رأس تواضع قرار دارد: اینکه انسان به هر کس می‌رسد سلام کند، به پایین مجلس رضایت دهد و خودنمایی و شهرت‌طلبی را خوش نداشته باشد.

آثار تواضع

روایات اسلامی، آثار فراوانی برای تواضع برشمرده‌اند که عالم با رعایت تواضع می‌تواند از برکات آن برخوردار شود. پیامبر خدا ﷺ فرمود:



مَنْ تَوَاضَعَ لِلَّهِ رَفَعَهُ اللَّهُ. ۲۴

هر کس برای خدا فروتنی کند، خداوند به او رفعت و بلندی می‌بخشد.

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود:

ثَمَرَةُ التَّوَاضُعِ الْمَحَبَّةُ. ۲۵

نتیجه فروتنی، دوستی و محبت است.

همچنین فرمود:

بِخَفْضِ الْجَنَاحِ تَنْتَظِمُ الْأُمُورَ. ۲۶

با فروتنی کارها سامان می‌یابد.

نمودهای تواضع

سید عبدالله شبّر در کتاب اخلاقی خود برخی الگوهای رفتاری تواضع را این چنین نام می‌برد:

- چهره بر گرداندن به طرف مخاطب و با گوشه چشم نگاه نکردن؛
- محبت در آهنگ سخن، صدا و لحن کلام؛
- بی‌تکلفی در راه رفتن و حرکات دست و صورت؛
- بی‌علاقه بودن به اینکه در مقابلش بلند شوند و بایستند؛
- بی‌علاقه بودن به اینکه دیگران پشت سر او راه بروند؛
- فخر نکردن به معلومات خود در مباحثات و گفتگوها؛^{۲۷}

باید دانست که این گونه رفتار عالم دینی، نه تنها از ارزش علمی او نمی‌کاهد، بلکه به تعبیر حضرت

علی علیه السلام بازتاب علم او است:

التَّوَّاضُعُ ثَمَرَةُ الْعِلْمِ. ۲۸

فروتنی، ثمره دانایی است.

نتیجه‌گیری

از آنچه در این مقاله آمده این نتیجه حاصل شد که عالمان دینی برای تأثیرگذاری در قلب و روح

مردم و نیز موفقیت در وظیفه هدایتگری خود، بایست سلوکی شایسته با مردم داشته باشند؛ از جمله:

عالم دینی با تواضع خویش در برابر دیگران (اعم از خانواده، اقوام، شاگردان و مراجعان)، مقدمات گرایش ایشان به دین را فراهم می‌آورند.



۱. **مردمی بودن:** به معنای یک دل بودن با مردم و برخوردی صمیمانه داشتن با آنان، آنچنان که از دردها و رنج‌های آنان آگاه و غمخوارشان باشند.
۲. **عزت نفس:** به معنای صلابت و حمیت داشتن است. به گونه‌ای که آبروی عالم حفظ و شخصیت او محترم شمرده شود.
۳. **انتقادپذیری:** به معنای شنیدن نقطه نظرات دیگران در مورد عالم و پذیرفتن اشتباهات است. این خصلت باعث می‌شود عالم نقاط ضعف خود را شناخته، در صدد رفع آن برآید.
۴. **سعه صدر:** به معنای تحمل بدرفتاری دیگران و داشتن روحیه گشاده و مهربان در هر حالتی است. عالم با سعه صدر می‌تواند سلیقه‌های مختلف را به خود جذب کند.
۵. **تواضع:** به معنای نفی غرور علمی و شخصیتی و ... است. عالم متواضع کسی است که امور شخصی را خود انجام می‌دهد و به دیگران امر و نهی نمی‌کند و در سخن گفتن، راه رفتن و ... فروتن است.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی



پی نوشت‌ها

۱. الکافی، محمدبن یعقوب کلینی، (تهران، دارالکتب الاسلامیه ۱۳۶۵ هـ.ش) ج ۲، ص ۷۸.
۲. بحارالانوار، محمدباقر مجلسی، (بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۴ هـ.ق)، ج ۲، ص ۳۶.
۳. همان، ج ۱۶، ص ۲۳۳.
۴. سنن النبی، سید محمد حسین طباطبائی، (تهران، اسلامیه، ۱۳۵۴ هـ.ش)، ص ۴۱-۵۶.
۵. بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۱۶۷.
۶. المفردات، راغب اصفهانی، (مکتبه المرتضویه، بی تا)، ماده عزّ.
۷. المیزان، سید محمد حسین طباطبائی، ج ۱۲، ص ۲۲.
۸. عزرالحکم و دررالکلم، عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، (قم، دفتر تبلیغات، ۱۳۶۶ هـ.ش)، ص ۲۹۷.
۹. بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۳۷۴.
۱۰. همان، ص ۲۲۹.
۱۱. غررالحکم، ص ۲۶۳.
۱۲. بحارالانوار، ج ۶۹، ص ۲۵۹.
۱۳. غررالحکم، ص ۴۶۱.
۱۴. الکافی، ج ۲، ص ۱۴۴.
۱۵. الکافی، ج ۲، ص ۱۰۸.
۱۶. همان، ص ۱۱۰.
۱۷. غررالحکم، ص ۴۱۵.
۱۸. الکافی، ج ۲، ص ۶۳۹.
۱۹. بحارالانوار، ج ۳۹، ص ۵۵.
۲۰. همان، ج ۱۱، ص ۲۹۸.
۲۱. محجة البیضاء، محسن فیض کاشانی، (تهران، مکتبه الصدوق، ۱۳۴۰ هـ.ش)، ج ۴، ص ۱۴۹؛ با تصرف و تلخیص.
۲۲. بحارالانوار، ج ۷، ص ۱۸۱.
۲۳. میزان الحکمة، محمد محمدی ری شهری، (قم، دارالحدیث، ۱۳۷۷ هـ.ش)، ج ۱۴، ص ۶۸۵۳.
۲۴. الکافی، ج ۲، ص ۱۲۲.
۲۵. غررالحکم، ص ۲۴۹.
۲۶. همان.
۲۷. رک: الاخلاق، سید عبدالله شبر، (قم، مکتبه بصیرتی، ۱۳۹۵ هـ.ق)، ص ۱۷۶-۱۷۷.
۲۸. میزان الحکمة، ج ۱۴، ص ۶۸۵۹.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

